

در لحظه‌های ریزش باران

(گزیده اشعار)

ناظم سادات اشکوری

به انتخاب



منشور هزار کرمان

تهران - ۱۳۹۵

سرشناسه : سادات اشکوری، کاظم، ۱۳۱۷ -
 عنوان و پدیدآور : در لحظه‌های ریزش باران (گزیده اشعار) / کاظم سادات اشکوری؛
 به انتخاب : محمدرضا مدیحی
 مشخصات نشر : تهران: هزار کرمان، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری : ۲۵۶ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۳-۸

وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : ص.ع. به انگلیسی: While it is raining
 موضوع : شعر امروز فارسی - قرن ۱۴
 شناسه افزوده : مدیحی، محمدرضا، گردآورنده
 رده‌بندی کنگره : ۱۳۹۵ آ ۱۶ الف ۴۳ / PIR ۸۰۷۸
 رده‌بندی دهبی : ۸۱ / ۱۶۲
 شماره کتابخانه ملی : ۳۹۱۵۸۶۵

نقل مضامین کتاب (جز برای معرفی و نقد کتاب)، اقتباس، چکیده‌نویسی،
 خواندن در رادیو، تلویزیون، اینترنت و هرگونه استفاده دیگر، بی‌اجازه کتبی از شاعر یا
 ناشر ممنوع است.

نشر هزار کرمان، تهران، خیابان کارگر جنوبی، پایین‌تر از میدان
 پاستور، خیابان دانشگاه، پلاک ۹
 تلفن: ۶۶۹۲۳۹۴۶ و ۰۹۱۲۷۳۳۴۱



نشر هزار کرمان پست الکترونیک: Email: nashrhazarkerman@yahoo.com
 www.hazarekerman.ir

در لحظه‌های ریزش باران

سروده: کاظم سادات اشکوری
 به انتخاب: محمدرضا مدیحی
 طرح روی جلد: فرزاد ادیبی
 نسخه‌پردازی: عقاب علی‌احمدی
 حروف‌چینی و صفحه‌بندی: افسانه شاه‌کرمی
 طراح نشانه نشر هزار: محمد جهانی مقدم
 چاپ اول: ۱۳۹۵
 شمارگان: ۱۲۰۰ نسخه
 لیتوگرافی: کارا؛ چاپ: غزال؛ صحافی: علی

ISBN: 978-600-5700-13-8

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۰۰-۱۳-۸

فهرست

۷	با داشت
۱۳	در سایه
۲۵	در انتشار آبران
۳۵	در باغ‌های خانه
۴۴	در پیشگاه گل
۴۹	برگی چند از دفتر پاییز
۵۹	زمانه تاریک
۶۰	تماشا
۶۱	زمستانی
۶۳	در هوای خواستن
۶۵	صدای برگ
۶۶	با زلال جاری
۶۷	یادگاری
۶۸	حسرت
۷۰	باران
۷۱	خاطره
۷۲	به راه بیا
۷۳	می‌خواهم ترانه‌ای بنویسم

۷۶	تالاب
۷۸	سنگ و سکوت
۸۰	در میان این همه رنگ
۸۱	گذر، از دید دو رهگذر
۸۳	گفت و گو در خیابان عصر
۸۵	تاسیان
۹۰	بسامد صبح
۹۲	با
۹۴	نام
۹۵	هوای منتش
۱۰۷	تصویرهای بامدای ۲
۱۱۱	تصویرهای بامدای ۱
۱۲۱	مسافر
۱۲۲	راز
۱۲۴	زمستانی
۱۲۶	بر خاک سیاهپوش
۱۳۲	در سایه شقایق
۱۴۰	جنگل
۱۴۳	در فصل برگریزان
۱۴۶	صدا
۱۴۸	در جاده تمشک
۱۴۹	از شعرهای جنگ
۱۵۱	ترانه سبز
۱۵۴	جهان
۱۶۳	سقوط

۱۶۴	مهمان مه
۱۶۵	در ماهتابِ اسفند
۱۶۷	دامغان
۱۷۳	ترانه نقره
۱۷۵	در نیمروز شهرک بسطام
۱۷۹	تعبیر
۱۸۰	میثاق
۱۸۱	گوشه
۱۸۷	پیاال های کوچک
۱۸۹	ترانه ای بنو سم
۱۹۱	باغ منتظران
۱۹۳	تا منزل چهارم
۱۹۸	از برکه ها به آینه
۲۰۰	خور
۲۰۳	شیراز
۲۱۳	حکایت
۲۱۵	حسرت
۲۱۸	آوازاها
۲۲۲	حلاج
۲۳۶	طرح
۲۳۷	برف
۲۳۸	گل ها
۲۳۹	دیدارها
۲۴۰	در روزهای مضطرب فصل
۲۵۳	کتابشناسی کاظم سادات اشکوری

یادداشت

بنابر درخواست ناشر جهت گزینش منتخبی از اشعار کاظم سادات اشکوری، گزینشی پیش رو را از میان اشعار نیم قرن سرایش شاعر انتخاب کرده‌ام.

در چینش شعرها، تقدم با زمان حال است و هرچه پیش می‌رویم، به تدریج به آغاز کار شاعر می‌رسیم - البته جز در مواردی که چند شعر ذیل یک عنوان چاپ شده و با شماره‌ای در پیشانی هر یک، مشخص شده است، و در این چند شعر، تأخیر، تقدم نسبت به تاریخ بعضی از شعرهای همان دوران پیشی ندارد.

شاعر در پیش‌گفتاری به سال ۱۳۰۲ می‌گوید: «... یک شعر، تنها یک شعر، در ذهنم جا خوش کرده و من پنج سال است که می‌خواهم آن را روی کاغذ بیاورم. سراسر عمرم برای آوردن آن شعر بوده اما هنوز موفق به نوشتن آن نشده‌ام. گرت‌های از آن در برخی شعرها ظاهر شده، اما خود آن مستوری پیشه کرده است.»^(۱)

آنچه نقل شد، می‌تواند خواسته‌ی همه‌ی شاعران باشد. البته حساب کسانی که شعر برایشان دستاویز رسیدن به شهرت، معاش و سایر نیازهاست، جداست و می‌توان آنان را در شمار شاعران مجازی دانست. شاعر، پیش و بیش از هر چیز به آنی می‌اندیشد که در حوزه‌ی کلام،

۱. سادات اشکوری، کاظم، در سایه سکوت. تهران، نشر امتداد، ۱۳۸۳.

بی‌دسترسی را به دسترس بیاورد، و با اتکا به تمام توانایی و کیفیت‌های واژگان در زبان، یعنی معانی، ارتباط، هم‌نشینی و... آنها با هم به آفرینشی متعالی و نو برسد. و این‌همه در حین ایجازی رخ دهد که کمترین واژگان، بیشترین سهم را در انتقال آنییت شعر و تأثیر بر مخاطب ایفا کند.

ایجاز ذکر شده نباید با کوتاه‌بودن شعر و به اصطلاح - شعر کوتاه - اشتباه شود. شعر می‌تواند کوتاه باشد؛ اما بنا بر آنچه بر آن نظر دارد، ایجاز در آن رعایت نشده باشد. آنچنان‌که شعر بلند می‌تواند دارای ایجاز باشد. فاقه آن باشد. مهم، چگونگی کارکرد استفاده از آن «تمام توانایی و کیفیت‌های واژگان در زبان» است.

شعر گونه‌های مختلف دارد و بنا به وضعیت اجتماعی، در هر دوره‌ای ممکن است گونه یا گونه‌هایی از آن با اقبال بیشتری مواجه باشد. یکی از گونه‌های شعر، شعر روایی است و خود این گونه نیز زیرمجموعه‌ی پرشاخه‌ای دارد.

در این مجال فرصت بازسازی آنها نیست و فقط از این جهت گفته شد که بازگو کنم که عنصر غالب در شعرهای کاظم سادات‌اشکوری و به خصوص شعرهای متأخر وی - که بیشتر شعرهای بلند است - وجه روایی آن است؛ یعنی در ترکیب‌بندی اجزای شاکله‌ی شعرها، غلبه با آن جزء است که وجه روایی است. این وجه اگر به سبک است در برخورد و هله‌ی اول با شعر، آن را آسان و آسان‌گیرانه بنمایان. اما با دقت در آن، آن را سهل‌ممتنعی می‌یابیم که درست است که در آن از پیچیدگی‌های ظاهری و مغلق‌نمایی خبری نیست و همراهی با آن در مسیری روشن و بی‌دست‌انداز انجام می‌شود، اما رسیدن به زبانی که شبیه زبانی روزمره بنماید ولی از جنس آن نباشد، کاری دیگر است:

چرا فصل این‌گونه شد که توانم با نسیم کوهستان

دیدار کنم

و یا:

میدان از آن شما

اما

آغوش گل به روی شما بسته‌ست.

اگرچه ممکن است از نظر خواننده، همه‌ی شعرها به ترازوی نزدیک به هم دست نیابند، اما رعایت چند نکته در این گزینه می‌تواند پاسخی باشد برای چرایی انتخاب آنها.

سعی داریم تا آثار متقدم شاعر نیز در گزینه چنان بهره ببریم که بتواند گویای درگونی کیفیت رفتار ساختاری با شعرهای متأخر باشد - «حلاج» - سروده‌شده در شهریور ۱۳۴۹ و - «گزارش» - شعر بلندی که تاریخ دی‌ماه ۱۳۵۷ را دارد. این خاطر که آن را به نوعی مفصل دو مقطع پیش و بعد از آن می‌دانیم، می‌توان نمونه‌ای از تأثیرات شدید اجتماعی بر شاعر (و بر شاعران) آورده شده است.

در این دفتر شعرهایی نیز هست که در گزینه‌ای که به انتخاب شاعر در سال ۱۳۸۳ به چاپ رسید (در سایه سکوت) از آنها استفاده نشده است؛ اما بنا در این کار، در بعضی موارد، بر این نیز هست که سبب‌هایی را که پیوسته در آثار شاعر از آنها استفاده شده است، در زوایای مختلف به چشم خواننده بسپارم تا خود شاهد روند فرازینگی آنها باشد. با چند که نمونه‌های متقدم آن نیز واجد ارزش هستند.

کاظم سادات‌اشکوری از جمله شاعرانی است که با وجود ژورنالیست نیز بودن، به بهره‌بری از مزایا و مناسبات این پیشه در جهت بده‌بستان‌های رایج و کسب اشتهار کاذب و همچنین، سائل رفتاری برای

مطرح کردن خود تن نداده است. شاید بسیاری ندانند که او مدت‌ها مسئول صفحه شعر مجله آدینه بوده است و نیز از گردانندگان مجله دنیای سخن. و اگر نظر کنیم که در آن هنگام چه تعداد شعر او و یا مطلب راجع به او در این دو نشریه به چاپ رسیده، به درستی این سخن پی می‌بریم. به گمان من او مصداق این دو سطر شعر نیما است:

من از این دونان شهرستان نی‌ام
حاط پردرد کوهستانی‌ام

شاعری که شعرش نیز گواه بر «خاطری‌ست که همواره با عشقی سرشار با طبیعت کوهستان آمیخته است.

این گزینه، اتعادی از مجموعه شعرهای شاعر انتخاب شده است که عنوان آنها عبارت است از: آن سوی چشم انداز، انتشارات نمونه، ۱۳۵۰؛ از دم صبح، انتشارات دنیا، ۱۳۵۵؛ با ماسه‌های ساحل، انتشارات سحر، ۱۳۵۶؛ چهار فصل، انتشارات شعله اندیشه، ۱۳۶۸؛ از رده‌ها به آینه، نشر ویس، ۱۳۶۸؛ رگبار آفتاب، نشر ویس، ۱۳۶۸؛ در مانتاب اسفند، نشر ویس، ۱۳۶۸؛ در کنار جاده پاییز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۷۲؛ آینه‌های بامدادی، ۱۳۷۸؛ هوای منتشر، ۱۳۷۸؛ برگ‌های چند از دفتر پاییز، منتشر نشده؛ در انتهای راه، منتشر نشده؛ گفتگو در خیابان عصر، منتشر نشده؛ نیا و نیا، ماه، منتشر نشده.

محمد رضا مدیحی

دی ماه ۱۳۹۳